

## بررسی رابطه بین تخصص مالی هیئت مدیره با مدیریت سود و محافظه کاری حسابداری

سید محمد سجادی<sup>۱</sup>، امیر غفوریان شاگردی<sup>۲\*</sup>

۱- کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

acc.sajjadi@gmail.com

۲- استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) (نویسنده مسئول)

ghafourian@imamreza.ac.ir

### چکیده-

هدف: با توجه تاثیر غیرقابل انکار کیفیت گزارشگری مالی بر اخذ تصمیمات صحیح توسط استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، تحقیقات مختلفی در خصوص آن صورت پذیرفته و شاخص‌های مختلف مرتبط با آن شناسایی شده است. یکی از این شاخص‌ها که در تحقیقات اخیر به‌طور گسترده به آن پرداخته شده، تخصص مالی هیئت مدیره می‌باشد. با توجه به اهمیت کیفیت گزارشگری مالی هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین تخصص مالی هیئت مدیره با مدیریت سود و محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است.

روش: برای بررسی موضوع، و براساس رگرسیون چند متغیره، داده‌های ۱۳۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۵ از نرم‌افزار رهاورد نوین، صورت‌های مالی و سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری و از نرم‌افزار ایویوز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. یافته‌ها: براساس یافته‌های پژوهش، شرکت‌هایی که دارای مدیرانی با تخصص مالی، بیشتر درگیر سیاست‌های مدیریت سود شده و محافظه کاری کل در چنین شرکت‌هایی بیش از سایر شرکت‌ها می‌باشد. ضمن اینکه نتایج تحقیق درخصوص تاثیر تخصص مالی هیئت مدیره بر محافظه کاری شرطی معنی‌دار نبوده است.

نتیجه‌گیری: سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی در هنگام اخذ تصمیمات مبتنی بر صورت‌های مالی به تخصص مالی مدیریت به‌عنوان شاخصی که می‌تواند محافظه کاری و مدیریت سود و به صورت کلی تر کیفیت گزارشگری مالی را تحت تاثیر قرار دهد، توجه نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** تخصص مالی هیئت مدیره، کیفیت گزارشگری مالی، مدیریت سود، محافظه کاری حسابداری.

## مقدمه

یکی از راهکارهای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی جهت ارزیابی عملکرد شرکت و اخذ تصمیمات اقتصادی، بررسی صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد؛ که در این میان سود حسابداری از اهمیت خاصی برخوردار است. اما آنچه موجب دغدغه خاطر استفاده‌کنندگان در استفاده از سود حسابداری شده است، محاسبه این رقم با استفاده از رویکرد تعهدی است. براساس این رویکرد، با تحقق درآمدها و وقوع هزینه‌ها و بدون توجه به زمان مبادله وجه نقد، سود شناسایی می‌شود. لذا در محاسبه سود از پیش‌بینی‌ها و برآوردها استفاده می‌گردد که این امر دستکاری سود توسط مدیریت را امکان‌پذیر ساخته و کیفیت سود گزارش شده، یعنی توانایی سود در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی را مورد تردید قرار می‌دهد (واندر، ۲۰۱۵).

اگر سود حسابداری، جریان‌های نقدی آینده را به‌گونه‌ای دقیق‌تر پیش‌بینی نماید، استفاده‌کنندگان ریسک اطلاعاتی کمتری خواهند داشت؛ زیرا می‌توانند جریان‌های نقدی آتی شرکت را به‌گونه‌ای دقیق‌تر برآورد نموده و احتمال متضرر شدن خود را در اثر تصمیمات اشتباه، کاهش دهند (مانسی و همکاران، ۲۰۰۴). در امور اقتصادی استفاده‌کنندگان همواره برای تصمیم‌گیری و انجام تحلیل‌های خود به اطلاعات دقیق و قابل اتکایی نیازمندند و طبیعتاً فقدان اطلاعات مناسب و مربوط، موجب اختلال در تصمیم‌گیری آنان می‌شود. ارقام و گزارش‌های مالی، بخش مهمی از داده‌ها و اطلاعات موردنیاز این فرایند محسوب می‌شوند. در نتیجه تحقیقات تجربی متعددی، این تصور که سود مهم‌ترین منبع اطلاعاتی تلقی شده، تصمیم‌گیرندگان به سود بیشتر از هر معیار دیگری اتکا می‌کنند، به اثبات رسیده است (سدیدی و همکاران، ۱۳۸۶). ولی باید به این نکته توجه شود که سود به‌عنوان مهم‌ترین منبع اطلاعاتی، امکان دارد منعکس‌کننده عملکرد شرکت و مدیریت آنان نباشد، زیرا به دلیل قابلیت انعطاف ذاتی استانداردهای حسابداری، تفسیر و به‌کارگیری روش‌های حسابداری در بسیاری از موارد تابع قضاوت و اعمال نظر مدیران می‌شود که این رویداد تحت عنوان مدیریت سود شناخته می‌شود (خوش‌طینت و اسماعیلی، ۱۳۸۵). به همین علت، علاوه بر کمیت سود، باید به کیفیت آن نیز توجه شود. با توجه به اهمیت کیفیت سود و به‌طور کلی‌تر کیفیت گزارشگری مالی، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن ضروری می‌باشد. یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی که در تحقیقات اخیر به‌طور گسترده‌تری به آن اشاره شده، سوابق تجربی و تحصیلی مدیریت شرکت می‌باشد که در زمینه حسابداری و رشته‌های مرتبط با آن صورت گرفته است. بررسی ادبیات حسابداری و مالی نشان می‌دهد که تجارب گذشته و سوابق مدیران اجرایی و همچنین سوابق تحصیلی و حرفه‌ای آن‌ها، بر سیاست‌های تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و سیاست‌های مالی شرکت‌هایی که مدیریت آن‌ها را برعهده دارند، تأثیر بسزایی دارد (گراهام و ناراسیمهان، ۲۰۰۴). همچنین برخی از مطالعات اخیر در زمینه حسابداری و مالی، ارتباط بین نوع گزارشگری مالی شرکت‌ها و سبک مدیریت مدیران ارشد را مورد بررسی قرار داده‌اند (نظیر لی و همکاران، ۲۰۱۱؛ بامبر و همکاران، ۲۰۱۰ و جی و همکاران، ۲۰۱۱). جریان دیگری از ادبیات به بررسی تأثیر آموزش‌های مدیران

اجرائی بر عملکرد شرکت، چرخش مدیرعامل، سیاست‌های افشا، کیفیت گزارشگری مالی و ... را مورد بررسی قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال جالبرت و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین سوابق تحصیلی مدیران اجرایی و عملکرد شرکت‌ها پرداختند. باگات و همکاران (۲۰۱۰) ارتباط بین دوره‌های آموزشی مدیران اجرایی و دوره گردش مدیران مزبور و نیز عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار دادند. به‌طور کلی، در خصوص تأثیر سوابق حسابداری مدیریت بر گزارشگری مالی، برخی از محققان بر این باورند مدیران باسابقه و تخصص حسابداری و مالی، دارای تعهد نسبت به اصول و ضوابط حسابداری هستند و تمایل کمتری به تخطی از اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشند. به همین جهت در اعمال نظر گزارشگری مالی استدلال‌های فردی را کنار گذاشته و دقیقاً مطابق به استانداردهای پذیرفته شده حسابداری رفتار می‌نمایند. از طرف دیگر برخی بر این باورند در چنین شرایطی، مدیریت از دانش و تجربه حسابداری خود جهت دستکاری گزارشگری مالی به‌منظور دستیابی به اهداف موردنظر استفاده می‌کند (هو و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به مبانی نظری و نقطه نظرات مختلف در خصوص تأثیر تخصص مالی هیئت مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی، در این پژوهش به بررسی تأثیر تخصص مالی هیئت مدیره بر دو جنبه مهم کیفیت گزارشگری مالی یعنی محافظه‌کاری حسابداری و میزان مدیریت سود در گزارشگری مالی پرداخته می‌شود. در ادامه ساختار مقاله به این ترتیب خواهد بود؛ ابتدا مبانی نظری پژوهش شامل محافظه‌کاری، مدیریت سود تعریف شده است. بخش بعد به پیشینه تجربی و طرح فرضیه‌های پژوهش اختصاص دارد. در ادامه روش‌شناسی پژوهش شامل متغیرها و الگوهای تحقیق ارائه می‌شود. در بخش پایانی نیز پس از بیان نتایج پژوهش، نتیجه‌گیری و پیشنهادها خواهد آمد.

### محافظه‌کاری حسابداری

محافظه‌کاری حسابداری را الزام به داشتن درجه بالایی از تائید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید. این تعریف محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیانی توصیف می‌نماید؛ اما تعریف دیگر، تعریف محافظه‌کاری حسابداری از دیدگاه ترازنامه است. براساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. تعریف سوم درباره محافظه‌کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پائین‌داری و ارزیابی بالای بدهی می‌شود (لی و همکاران، ۲۰۱۴). اگرچه محافظه‌کاری نقش مهمی در تئوری و عمل حسابداری بازی می‌کند لیکن، تاکنون تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است (جیولی و همکاران، ۲۰۰۷). تنها تعریف رسمی که از محافظه‌کاری ارائه شده است را می‌توان در بیانیه شماره دو هیئت استانداردهای مالی حسابداری (۱۹۸۰) یافت. جایی که محافظه‌کاری به‌عنوان "واکنش محتاطانه به عدم

اطمینان و تلاش کافی در جهت در نظر گرفتن عدم اطمینان و ریسک‌های ذاتی در شرایط تجاری و گزارشگری سود" تعریف شده است. با این حال این تعریف در اغلب مطالعات گذشته مورد استفاده قرار نگرفته است. در عوض تعریف محافظه‌کاری با اقتباس از تعریف صورت پذیرفته توسط باسو (۱۹۹۷) مورد استفاده قرار می‌گرفته است. باسو (۱۹۹۷) استدلال کرده است که ضرر و زیان تحقق یافته زودتر از درآمدهای تحقق یافته شناسایی می‌شود. یافته‌های تحقیق وی نشان می‌دهد زمانی که بازگشت غیرمنتظره بازده سهام به‌عنوان پروکسی اخبار خوب و بد در نظر گرفته می‌شوند، واکنش سود گزارش شده نسبت به اخبار بد بیش از اخبار خوب خواهد بود. با توجه به نتایج تحقیق مزبور، باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را به‌عنوان "شناسایی به موقع تر و حساسیت بیشتر درآمد به اخبار بد نسبت به اخبار خوب" تعریف کرده است.

### مدیریت سود

در ادبیات حسابداری تعاریف متعددی از مدیریت سود ارائه شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌گردد: واتس و زیمرمین (۱۹۹۰) معتقدند که مدیریت سود، اعمال آزادی عمل بر روی ارقام حسابداری با فرض وجود یا عدم وجود محدودیت‌هایی در این زمینه، می‌باشد. دیکو، سوئینی و اسلوان (۱۹۹۵) مدیریت سود را دخالت هدفمند مدیریت در فرایند گزارش‌گری مالی برون سازمانی به‌منظور تحصیل منافع شخصی، معرفی نمودند. اسکات (۱۹۹۷) به مدیریت سود به‌عنوان اختیار شرکت در انتخاب سیاست‌های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر، می‌نگرد. طبق تعریف آقای و چالاککی (۱۳۸۸) مدیریت سود عبارت است از برآیند درجه‌ای از قابلیت انعطاف و اعمال نظری که مدیران در گزارشگری مالی خود دارند. مدیران ممکن است از این قدرت برای مدیریت فرصت‌طلبانه سود یا انتقال اطلاعات محرمانه درباره عملکرد آتی شرکت استفاده کنند. آشنایی با مفاهیم مدیریت سود نه تنها برای سهامداران شرکت، بلکه برای قانون‌گذاران رشته حسابداری نیز ضروری به نظر می‌رسد. مدیریت سود واقعی یکی از نتایج بالقوه وضع قوانین و استانداردهای حسابداری به‌منظور محدود کردن اختیارات مدیران شرکت در جهت مدیریت سود حسابداری می‌باشد. به‌عنوان مثال اورت و واگنوتر (۲۰۰۵) با استفاده از یک مدل تحلیلی نشان دادند زمانی که قوانین سختگیرانه و استانداردهای حسابداری مدیریت سود شرکت را برای استفاده از اقلام تعهدی به‌منظور دستکاری سود محدود می‌کند، میزان استفاده از مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد. همچنین، نتایج تحقیق ماتسورا (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که ارتباط بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، ارتباطی معکوس بوده و شرکت‌ها از هر کدام از آن‌ها به‌عنوان مکمل دیگری استفاده می‌کنند.

## پیشینه پژوهش

بائولی و همکاران (۲۰۱۸)، در تحقیقی با عنوان "به بررسی رابطه بین ویژگی‌های تیم مدیریتی بر اتخاذ استراتژی مدیریت سود" پرداختند. با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس چین در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ نتایج تحقیق مبین وجود رابطه‌ای معنی‌دار بین استفاده شرکت از استراتژی‌های مختلف مدیریت سود و ویژگی‌های تیم ارشد مدیریت شرکت می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که چندین ویژگی جمعیت شناختی (شامل سن، جنسیت، تحصیلات و تجربه کار مالی) کل تیم مدیریتی و همچنین مدیرعامل، مدیر مالی و دیگر اعضای تیم به‌طور جداگانه، به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر هر دو نوع مدیریت سود شامل مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود تأثیرگذار بوده که این امر می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد. هو و همکاران (۲۰۱۷)، در راستای تحقیقات مرتبط با سوابق حرفه‌ای مدیرعامل، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا سابقه و تخصص حسابداری مدیران اجرایی (مدیرعامل) می‌تواند بر رفتارها و سیاست‌های شرکت در زمینه مدیریت سود و محافظه‌کاری حسابداری تأثیر داشته باشد یا خیر؟ در این پژوهش جهت اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری از مدل باسو استفاده شده است. با استفاده از شاخص اقلام تعهدی اختیاری (مدل جونز) جهت اندازه‌گیری مدیریت سود نتایج تحقیق مبین این موضوع است که بین پیشینه حسابداری مدیرعامل و مدیریت سود رابطه معنی‌داری وجود ندارد. با این حال نتایج پژوهش آن‌ها نشان‌دهنده این موضوع است گزارشگری مالی شرکت‌هایی که از مدیرانی با سابقه حسابداری برخوردار می‌باشند، دارای سطح بالاتری از محافظه‌کاری هستند. این امر بدین معنی می‌باشد که مدیران با پیشینه و تخصص حسابداری در شناسایی اخبار بد سرعت عمل بیشتری داشته و مطابق با اصل محافظه‌کاری، زیان‌ها به سرعت و سودها پس از قطعیت شناسایی می‌شوند. هی و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان "به بررسی این موضوع که آیا سیاست تقسیم سود با مدیریت سود در ارتباط می‌باشد یا خیر و اینکه آیا این رابطه در کشورهایی با درجات مختلف قوانین حمایت‌کننده از سهامداران، متفاوت می‌باشد" پرداختند. جهت آزمون فرضیه‌های مزبور از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. با استفاده از نمونه‌ای شامل ۴۲۹۲۳ شرکت از ۲۹ کشور مختلف، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که سیاست تقسیم سود سهام را دنبال می‌کنند، میزان مدیریت سود کمتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد. همچنین این نتایج در کشورهایی که حمایت بیشتری از سرمایه‌گذاران صورت می‌پذیرد و قوانین سخت‌گیرانه‌تری جهت افزایش شفافیت گزارشگری مالی وجود دارد، بیشتر می‌باشد. ریسیزاده و رضانی (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه میان عدم اطمینان‌های محیطی (محاسبه شده با معیار ضریب تغییرات فروش و تغییرپذیری پیش‌بینی سود هر سهم) با مدیریت سود و بازده سهام شرکت" پرداختند. بدین منظور تعداد ۱۱۹ شرکت از شرکت‌های بورس اوراق

بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ انتخاب شده و با روش‌های آماری همبستگی و رگرسیون چند متغیره، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد مدیران در مواجهه با عدم اطمینان‌های محیطی، جهت کاهش نوسانات سود، اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. همچنین نتایج نشان می‌دهد بازار عدم اطمینان‌های محیطی ایجاد شده از طرف مشتریان (ضریب تغییرات فروش) را درک نموده و به این عدم اطمینان‌ها واکنش نشان می‌دهد (این نوع عدم اطمینان دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد)؛ اما به عدم اطمینان‌های محیطی ناشی از تردید مدیر در مورد سود هر سهم واکنش نشان نمی‌دهد. در نهایت نتایج پژوهش نشان می‌دهد توانایی مدیران شرکت‌های نمونه، در بازه زمانی پژوهش، تأثیری معناداری بر رابطه میان عدم اطمینان‌های محیطی با مدیریت سود و بازده سهام ندارد. لاریجانی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان "به بررسی رابطه بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. در راستای دستیابی به این هدف، سه فرضیه طراحی و با استفاده از داده‌های نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ آزمون شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری مدل‌های همبستگی چندگانه بیانگر آن است که بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و مدیریت سود، رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. لیکن، بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی و هزینه‌های نمایندگی و نیز بین مدیریت سود و هزینه‌های نمایندگی رابطه معنی‌داری مشاهده نگردیده است. طاهری و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان "به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. در این پژوهش داده‌های ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ جمع‌آوری شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در حالت تلفیقی، از مدل رگرسیونی چندمتغیره و جهت سنجش بیش اعتمادی مدیریت از معیار خطای باقیمانده مدل مقدار سرمایه‌گذاری مازاد در دارایی‌ها استفاده شده است. نتایج پژوهش مزبور نشان می‌دهد که بیش اعتمادی مدیریت بر مدیریت واقعی سود تأثیری معنی‌دار دارد. این موضوع بیانگر این است که مدیران دارای اعتماد بیش از حد، به میزان بیشتری اقدام به دستکاری سود از طریق فعالیت‌های واقعی می‌نمایند. ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان "به بررسی مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود در دوره‌های قبل و بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار ایران" پرداختند. فرضیات پژوهش با استفاده از داده‌های ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس، طی یک دوره ده ساله (از پنج سال قبل تا پنج سال پس از تصویب قانون) مورد آزمون قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان داد وقتی شرایط اقتصادی، تفاوت‌های خاص شرکت‌ها، و برخی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود را از طریق تحلیل

رگرسیون چندگانه کنترل می‌کنیم، در دوره پس از تصویب قانون بازار اوراق بهادار، مدیریت سود تعهدی روندی کاهشی داشته است. اما مدیریت واقعی سود روند افزایشی پیدا کرده است. در واقع، مدیران تا حدی روش‌های مدیریت واقعی سود را جایگزین دستکاری اقلام تعهدی نموده‌اند.

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین تخصص مالی هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه معنی‌داری وجود دارد.  
فرضیه دوم: بین تخصص مالی هیئت مدیره و محافظه‌کاری حسابداری رابطه معنی‌داری وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است. این تحقیق در حوزه تحقیقات اثباتی مالی قرار می‌گیرد و با توجه به این که از اطلاعات تاریخی شرکت‌ها برای آزمون فرضیات آن استفاده می‌شود، در گروه تحقیقات شبه آزمایشی قرار می‌گیرد. هم‌چنین از آن‌جا که پژوهش به بررسی رابطه بین متغیرها می‌پردازد، با توجه به ماهیت و روشی که در آن استفاده می‌شود، نوعی تحقیق توصیفی - همبستگی به‌شمار می‌رود. پژوهش، به لحاظ معرفت‌شناسی از نوع تجربه‌گرا، سیستم استدلال آن، استقرایی و از جهت نوع مطالعه، میدانی - کتابخانه‌ای می‌باشد.

### روش جمع‌آوری داده‌ها، جامعه، نمونه آماری

به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. قسمت مبانی نظری از کتب، مجلات و سایت‌های تخصصی فارسی و لاتین، و داده‌های مالی موردنیاز با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین، گردآوری شده‌اند. با استفاده از روش‌های آماری مانند رگرسیون ترکیبی، فرضیه‌های پژوهش که در قسمت قبل بیان گردیدند، مورد بررسی قرار گرفته است. آزمون فرضیه‌های تحقیق به کمک نرم‌افزار ایویوز، و به شرح طرح آزمون آماری فرضیه‌ها که در بخش‌های بعد ارائه می‌شود، صورت پذیرفته است. در تحلیل رگرسیون، ابتدا با استفاده از معنی‌داری آماره فیشر مدل‌های رگرسیونی تعیین شده، و سپس با مدل رگرسیونی ترکیبی فرضیه‌های آماری در سطح خطای ۵٪ بررسی شده‌اند. قلمرو زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ و قلمرو مکانی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. از این‌رو، ابتدا فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره مذکور با بهره‌گیری از اطلاعات بورس و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج و سپس

برای این که داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌ها، همگنی لازم را داشته باشند این جامعه آماری با فروض زیر تعدیل گردید:

- شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.
  - شرکت‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند.
  - اطلاعات و داده‌های آن‌ها در دسترس باشد.
  - معاملات سهام شرکت به‌طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد.
- بنابراین براساس جدول زیر تعداد نمونه آماری تعیین می‌گردد.

جدول شماره ۱. اطلاعات جامعه و نمونه آماری پژوهش

ردیف	شرح	تعداد
۱	کل شرکت‌های بورسی محدودیت‌ها:	۵۱۸
۱۱۸	شرکت‌هایی با سال مالی به غیر از ۲۹ اسفند	
۲	سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه	۷۵
۳	تغییر سال مالی	۳
۱۸	توقف معاملاتی بیش از سه ماه	
۱۶۹	عدم دسترسی به اطلاعات	
۳	نمونه	۱۳۵

### متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

#### تخصص مالی هیئت مدیره

این متغیر متغیری مجازی است که در صورتی که مدیریت شرکت (هیئت مدیره و مدیرعامل) دارای مدرک حسابداری و یا رشته‌های مربوط باشد (مدیریت مالی، اقتصاد و ...) عدد ۱ می‌پذیرد و در غیر این صورت به آن صفر نسبت می‌دهیم.



### مدیریت سود

جهت برآورد مدیریت سود از شاخص اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. در این تحقیق اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از نسخه الگوی تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) که توسط دچو و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده، برآورد می‌شود.

$$TAccr_t / Assets_{t-1} = \alpha + \beta_0 1/Assets_{t-1} + \beta_1 (\Delta Sales_t - \Delta REC_{it}) / Assets_{t-1} + \beta_2 PPE_t / Assets_{t-1} + \beta_3 ROA_{t-1} + \beta_4 SG_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در مدل فوق:

$TAccr_t$ : تفاوت میان سود عملیاتی و جریان‌های نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی در دوره جاری.

$Assets_{t-1}$ : جمع دارایی‌های در ابتدای دوره مالی.

$\Delta sale$ : تغییرات در فروش.

$\Delta Rec$ : تغییرات در دریافتی‌ها.

$PPE$ : اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات.

$ROA$ : سود خالص تقسیم بر مجموع دارایی‌ها.

$SG$ : رشد جاری در فروش‌ها می‌باشد.

مقادیر بالاتر قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری، به کیفیت سود کمتر تعبیر می‌شود.

### محافظه کاری حسابداری

جهت محافظه کاری حسابداری از دو شاخص محافظه کاری شرطی و محافظه کاری کل استفاده می‌شود که نحوه اندازه‌گیری هر یک به تفکیک بیان شده است.

### محافظه کاری کل

باسو و همکاران (۱۹۹۷) با استفاده از رگرسیون ذیل نسبت به محاسبه محافظه کاری حسابداری اقدام نمودند:

$$X_i = \alpha_1 + \alpha_2 D_i + \alpha_3 R_i + \alpha_4 D_i * R_i + \varepsilon_i \quad (2)$$

که در آن  $X_i$  سود جاری شرکت  $X$  در سال  $i$ ،  $R$  بازده سهام،  $D_i$  متغیر مجازی که در صورت منفی بودن بازده ۱ و در غیر این صورت ۰ می‌پذیرد. به‌طور کلی، باسو (۱۹۹۷) محافظه کاری را به‌عنوان تمایل حسابداران جهت نیاز به وجود درجه بالاتری از تاییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب نسبت به اخبار بد در صورت‌های مالی تفسیر نموده است. او در واقع از دیدگاه سود و زیان به تعریف محافظه کاری پرداخته است و از رفتار نامتقارن سود نسبت به اخبار خوب و بد به‌عنوان محافظه کاری یاد نموده است و به‌منظور عملیاتی

نمودن و فرموله کردن این معیار، بازده‌های مثبت و منفی را جایگزینی برای اخبار خوب و بد در نظر گرفته است و بدین ترتیب، رابطه سود و بازده سهام را به‌عنوان معیاری برای سنجش محافظه‌کاری مطرح نموده است. در این رگرسیون،  $\alpha_3$  پاسخ سود را به بازده مثبت و  $\alpha_4 + \alpha_3$  پاسخ سود را به بازده منفی اندازه‌گیری می‌کند. محافظه‌کاری بیانگر این است که  $\alpha_4 + \alpha_3$  باید بزرگتر از  $\alpha_3$  باشد؛ یعنی  $\alpha_4$  بزرگتر از صفر باشد. باسو این ضریب یعنی  $\alpha_4$  را ضریب عدم تقارن زمانی سود نامیده است و آن را به‌عنوان معیاری جهت سنجش محافظه‌کاری مطرح نموده است. به‌طور کلی، جهت اندازه‌گیری محافظه‌کاری کل (T-SCORE)، از ضرایب  $\alpha_4 + \alpha_3$  استفاده می‌شود. هرچقدر که اندازه این فرمول بیشتر باشد، میزان محافظه‌کاری حسابداری بیشتر برآورد می‌شود.

### محافظه‌کاری شرطی

جهت اندازه‌گیری میزان محافظه‌کاری شرطی در هر سال - شرکت، از معیار محافظه‌کاری شرطی (C-SCORE) خان و واتس (۲۰۰۹) استفاده می‌شود:

$$X_{j,t} = \beta_{1t} + \beta_{2t}D_{j,t} + (\mu_{1t} + \mu_{2t}MKV_{j,t} + \mu_{3t}MB_{j,t} + \mu_{4t}LEV_{j,t}) * R_{j,t} + (\lambda_{1t} + \lambda_{2t}MKV_{j,t} + \lambda_{3t}MB_{j,t} + \lambda_{4t}LEV_{j,t}) * D_{j,t} * R_{j,t} + (\delta_{1t}MKV_{j,t} + \delta_{2t}MB_{j,t} + \delta_{3t}LEV_{j,t} + \delta_{4t}D_{j,t}MKV_{j,t} + \delta_{5t}D_{j,t}MB_{j,t} + \delta_{6t}D_{j,t}LEV_{j,t}) + \varepsilon_{j,t} \quad (3)$$

در مدل فوق :

$X_{j,t}$ : سود عملیاتی پس از کسر هزینه‌های مالی تقسیم بر ارزش بازار سرمایه شرکت  $j$  در پایان سال مالی  $t$ .

$R_{j,t}$ : بازده سهام شرکت  $j$  طی سال مالی  $t$ .

$D_{j,t}$ : متغیر مجازی. اگر  $R > 0$  باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.

$MB_{j,t}$ : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت  $j$  طی سال  $t$ . ارزش بازار حقوق

صاحبان سهام از حاصلضرب میانگین موزون تعداد سهام عادی طی سال مالی و قیمت سهام در پایان سال مالی به‌دست می‌آید. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام نیز از مجموع سرمایه ثبت شده، اندوخته قانونی، اندوخته احتیاطی، اندوخته طرح و توسعه و سود و زیان انباشته مندرج در ترازنامه شرکت حاصل می‌شود.

$LEV_{j,t}$ : نسبت بدهی به سرمایه یا اهرم مالی شرکت  $j$  در پایان سال مالی  $t$ . نسبت اهرمی عموماً به یکی از

دو صورت نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها یا نسبت مجموع بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود. در این پژوهش از معیار دوم جهت محاسبه نسبت اهرمی استفاده شده است.

$\varepsilon_{j,t}$ : باقیمانده یا پسماند مدل.

رابطه فوق را با استفاده از رگرسیون مقطعی سالانه برآورد کرده و با توجه به ضرایب برآوردی که از این رابطه به دست می‌آید و همچنین رابطه ذیل، محافظه کاری شرطی محاسبه می‌شود.

$$\text{C-SCORE: } \beta_{4j,t} = \lambda 1_t + \lambda 2_t \text{MKV}_{j,t} + \lambda 3_t \text{MB}_{j,t} + \lambda 4_t \text{LEV}_{j,t} \quad (4)$$

که در آن C-SCORE محافظه کاری شرطی و بقیه متغیرها به شرح فوق تعریف می‌شود.

### متغیرهای کنترلی

جنسیت مدیرعامل (Gender)

متغیر دو وجهی که در صورتی که مدیرعامل مرد باشد عدد ۱ و در غیر این صورت ۰ می‌پذیرد.

عمر شرکت (Age)

عبارت است از لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از تاریخ تاسیس.

اهرم مالی (Lev)

عبارت است از نسبت کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت.

فرصت رشد (Market-to-Book)

عبارت است از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام شرکت.

چرخه عملیاتی شرکت (Operating- Cycle)

عبارت است از میانگین دوره دریافت وجه حاصل از فروش‌ها.

کشش سرمایه (Capital-Intensity)

عبارت است از خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات تقسیم بر کل دارایی‌ها.

انحراف معیار جریان‌های نقدی عملیاتی (stdopca)

عبارت است از انحراف معیار جریان‌های نقدی عملیاتی (مستخرج از صورت جریان وجه نقد) طی ۵ سال

گذشته.

اندازه شرکت (Size)

عبارت است از لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت.

زیان‌دهی شرکت (Loss)

متغیر دو وجهی که در صورت زیان‌ده بودن شرکت طی دوره عدد ۱ می‌پذیرد و در غیر این صورت ۰ به

آن نسبت می‌دهیم.

### مدل‌های پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر دارای دو فرضیه اصلی می‌باشد، به منظور آزمون آنها از مدل‌های نهایی به شرح زیر استفاده می‌گردد:

$$TAccr_t = \beta_0 + \beta_1 Acct-Back + \beta_2 Gender + \beta_3 Age + \beta_4 Lev + \beta_5 Market-to-Book + \beta_6 Operating-Cycle + \beta_7 Capital-Intensity + \beta_8 stdopca + \beta_9 Size + \beta_{10} Loss + Industry\ effects + Year\ effects + \varepsilon$$

مدل  
رگرسیون  
(۱)

$$Conservatism = \beta_0 + \beta_1 Acct-Back + \beta_2 Gender + \beta_3 Age + \beta_4 Lev + \beta_5 Market-to-Book + \beta_6 Operating-Cycle + \beta_7 Capital-Intensity + \beta_8 stdopca + \beta_9 Size + \beta_{10} Loss + Industry\ effects + Year\ effects + \varepsilon$$

مدل  
رگرسیون  
(۲)

### یافته‌های پژوهش

در این بخش به آمار توصیفی و استنباطی در ارتباط با تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

### آمار توصیفی

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی هم‌چون میانگین و شاخص‌های پراکندگی هم‌چون انحراف معیار انجام پذیرفته است.

جدول شماره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	انحراف معیار
عمر شرکت	AGE	۱۰۸۰	۳/۵۵۰	۳/۶۸۸	۰/۳۸۳
محافظه‌کاری شرطی	CSCORE	۱۰۸۰	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱
کشش سرمایه	CAPITAL	۱۰۸۰	۰/۲۵۰	۰/۲۰۹	۰/۱۶۸
اهرم مالی	LEV	۱۰۸۰	۰/۶۰۵	۰/۶۱۸	۰/۱۹۶
فرصت رشد شرکت	MB	۱۰۸۰	۲/۵۴۵	۲/۱۵۵	۱/۵۸۶
چرخه عملیاتی	OPERATING	۱۰۸۰	۴۰۵/۱۸۸	۳۴۷/۶۸۸	۱۶۶/۴۴۹
اندازه شرکت	SIZE	۱۰۸۰	۱۳/۹۵۳	۱۳/۷۸۹	۱/۲۹۱
بازده دارایی‌ها	STDOPCA	۱۰۸۰	۰/۰۶۹	۰/۰۵۸	۰/۰۴۶

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیرهای مصنوعی

نام متغیر	درصد	تعداد
دارای تخصص مالی	۱۴/۶۹٪	۱۱۹
فاقد تخصص مالی	۸۵/۳۱٪	۶۹۱

با توجه به جدول شماره ۲، مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی حدوداً ۶۱ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته و به‌طور میانگین شرکت‌های نمونه، ۶۱ درصد از منابع مالی خود را از طریق بدهی و ۳۹ درصد از منابع مالی را از طریق حقوق صاحبان سهام تامین نموده‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول شماره ۲، مشاهده می‌شود میانه متغیر رشد شرکت حدود ۲/۱۵ می‌باشد که نشان‌دهنده این است که نیمی از شرکت‌های نمونه طی دوره پژوهش دارای رشد بیش از ۲/۱۵ می‌باشند. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری است برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. مقدار این پارامتر برای متغیر عمر شرکت برابر با ۰/۳۸۳ است.

### آزمون فروض رگرسیون کلاسیک

برای برآورد پارامترهای مدل‌های رگرسیون، آزمون فروض رگرسیون کلاسیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از جمله مهمترین این فروض، فرض‌های مربوط به بررسی نرمال بودن باقیمانده‌های مدل، عدم وجود خود همبستگی، عدم وجود هم خطی و عدم وجود واریانس ناهمسانی بین باقیمانده‌های مدل می‌باشد. برای بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها از آزمون جارک- برا استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که باقیمانده مدل‌های مورد بررسی دارای توزیع نرمال هستند. به‌منظور تشخیص وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها از آزمون خودهمبستگی سریالی بروش - گادفری، استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که با توجه به اینکه در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار احتمال آماره  $F$ ، در مدل اول پژوهش کمتر از ۵٪ می‌باشد؛ بنابراین فرضیه صفر در مدل مزبور رد می‌شود؛ لذا جهت رفع خودهمبستگی سریالی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌گردد. در خصوص بررسی هم خطی از آزمون عامل تورم واریانس استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی مدل‌های پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد. به‌منظور بررسی وجود واریانس همسانی بین باقیمانده‌ها، از آزمون وایت استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس در مدل‌های پژوهش رد می‌شود. بنابراین، به‌منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌کنیم.

### آزمون چاو (F لیمر) و هاسمن

در این پژوهش براساس محدودیت‌های استخراج داده‌ها و نحوه گردآوری اطلاعات که در بخش روش‌شناسی پژوهش توضیح داده شد، شرکت‌های نمونه براساس اطلاعات ارائه شده در بخش توصیفی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ یکسان می‌باشد لذا امکان استفاده از روش پانل دیتا می‌باشد و برای ارزیابی این موضوع لازم است ابتدا آزمون F لیمر برای سنجش داده‌های پانل در مقابل داده‌های پولینگ مورد آزمون قرار گیرد. لذا فرضیه-های پژوهش ابتدا با کمک آزمون F لیمر و سپس آزمون هاسمن (در صورت استفاده از داده‌های پانل) و نهایتاً با کمک آزمون t، و آزمون F فیشر و ضریب تعیین مورد سنجش قرار خواهیم داد.

جدول شماره ۳. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن در مدل‌های پژوهش

مدل	نوع آزمون	مقدار آماره	درجه آزادی	احتمال	نتیجه
مدل رگرسیون (۱)	F لیمر	۱/۰۶۳	۵/۷۹۲-	۰/۳۷۹	روش تلفیقی
مدل رگرسیون (۲)	F لیمر	۷۶/۷۷۵	۵/۷۸۴-	۰/۰۰۰	روش تابلویی
مدل رگرسیون (۲)	هاسمن	۱۰۷/۷۴۲	۱۱	۰/۰۰۰	اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول شماره ۳، منعکس گردیده احتمال F لیمر مدل اول پژوهش بیش از ۵٪ می‌باشد؛ لذا برای تخمین مدل مزبور از روش تلفیقی استفاده می‌شود. همچنین نتایج آزمون F لیمر و هاسمن برای مدل دوم مبین این موضوع است که جهت مدل مزبور از روش تابلویی و اثرات ثابت می‌بایستی استفاده نمود.

### آمار استنباطی

پس از بررسی توصیفی متغیرهای پژوهش لازم است توزیع متغیرهای وابسته مدل‌های رگرسیونی مورد بررسی قرار گیرند. در انجام این پژوهش به منظور تخمین پارامترهای مدل رگرسیونی از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده نموده‌ایم.

### آزمون فرضیه اول

بین تخصص مالی هیئت مدیره و میزان مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد. به منظور آزمون این فرضیه، از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول شماره ۴، بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی - داری)  $F$  برابر  $0/000$  بوده و چون این مقدار کمتر از  $0/05$  است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین - واتسون  $1/663$  می باشد که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی خطاها (مرتب اول) را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۲۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تخصص مالی هیئت مدیره،  $0/024$  بوده که نشان دهنده رابطه مثبت تخصص مالی هیئت مدیره و میزان مدیریت سود می باشد. که با توجه به سطح معنی داری ( $0/006$ ) که کمتر از ۵ درصد می باشد، معنی دار می باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه اول تحقیق تایید می شود. به عبارتی نتایج تحقیق مبین این موضوع است که در شرکت هایی که مدیریت دارای تخصص مالی می باشد، میزان مدیریت سود نسبت به سایر شرکت ها بیشتر می باشد.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول پژوهش					متغیرها
مدیریت سود					
احتمال	t آماره	خطای استاندارد	ضریب	نماد	
۰/۰۰۰	۴/۷۱۳	۰/۰۷۳	۰/۳۴۴	C	عرض از مبدأ
۰/۰۰۶	۲/۷۳۵	۰/۰۰۹	۰/۰۲۴	ACCTBACK	تخصص مالی هیئت مدیره
۰/۹۲۵	۰/۰۹۳	۰/۰۴۵	۰/۰۰۴	GENDER	جنسیت مدیرعامل
۰/۴۲۵	۰/۷۹۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	AGE	عمر شرکت
۰/۶۸۹	۰/۳۹۹	۰/۰۱۹	۰/۰۰۷	LEV	اهرم مالی
۰/۳۳۹	۰/۹۵۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	MB	فرصت رشد
۰/۲۶۱	۱/۱۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	OPERATING	چرخه عملیاتی
۰/۲۹۷	-۱/۰۴۲	۰/۰۲۰	-۰/۰۲۱	CAPITAL	کشش سرمایه
۰/۰۰۰	۶/۹۵۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	STDOPCA	انحراف معیار جریان های نقدی
۰/۰۰۰	-۵/۲۴۵	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۲	SIZE	اندازه شرکت
۰/۱۰۵	۱/۶۲۰	۰/۰۱۰	۰/۰۱۶	LOSS	زیاندهی شرکت

فرضیه اول پژوهش					متغیرها
مدیریت سود					
احتمال	t آماره	خطای استاندارد	ضریب	نماد	
۰/۳۵۰	۰/۹۳۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	INDUSTRY	شاخص صنعت
۰/۵۲۱	۰/۶۴۱	۰/۰۳۵	۰/۰۲۲	YEAR	شاخص سال مالی
۰/۲۶۶		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۸۵		ضریب تعیین
۴/۳۷۸		F آماره	۱/۶۶۳		دوربین- واتسون
			۰/۰۰۰		احتمال آماره F

### آزمون فرضیه دوم

بین تخصص مالی هیئت مدیره و میزان محافظه کاری حسابداری رابطه معنی داری وجود دارد. در این پژوهش به منظور اندازه گیری محافظه کاری از دو شاخص محافظه کاری شرطی و محافظه کاری کل استفاده شده، در ادامه نتایج آزمون این فرضیه با هر یک از شاخص‌ها تبیین شده است.

### شاخص محافظه کاری کل

به منظور آزمون این فرضیه، از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول شماره ۵، بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰/۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۲/۱۶۷ می باشد که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی خطاها (مرتبه اول) را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد، تقریباً ۱۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تخصص مالی هیئت مدیره، ۰/۰۰۰ بوده که نشان دهنده رابطه مثبت تخصص مالی هیئت مدیره و میزان محافظه کاری حسابداری می باشد. که با توجه به سطح معنی داری (۰/۰۴۲) که کمتر از ۵ درصد می باشد، معنی دار می باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم تحقیق با شاخص محافظه کاری کل تایید می شود. به عبارتی نتایج تحقیق مبین این موضوع است که در شرکت‌هایی که مدیریت دارای تخصص مالی می باشد، میزان محافظه کاری کل نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر می باشد.



جدول شماره ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش با استفاده از شاخص محافظه‌کاری کل

فرضیه دوم پژوهش					متغیرها
محافظه‌کاری حسابداری					
احتمال	t آماره	خطای استاندارد	ضریب	نماد	
۰/۰۰۵	۲/۸۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۲۱	C	عرض از مبدأ
۰/۰۴۲	۱/۷۳۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	ACCTBACK	تخصص مالی هیئت مدیره
۰/۵۵۶	-۰/۵۸۸	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۲	GENDER	جنسیت مدیرعامل
۰/۸۳۸	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	AGE	عمر شرکت
۰/۰۳۲	-۲/۱۴۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۵	LEV	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۴/۱۵۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	MB	فرصت رشد
۰/۰۳۴	۲/۲۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	OPERATING	چرخه عملیاتی
۰/۶۰۸	۰/۵۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	CAPITAL	کشش سرمایه
۰/۱۹۱	۱/۳۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	STDOPCA	انحراف معیار جریان های نقدی
۰/۰۰۰	-۵/۷۹۱	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۱۸	-۲/۳۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۶	LOSS	زیاندهی شرکت
۰/۲۸۶	-۱/۰۶۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	INDUSTRY	شاخص صنعت
۰/۳۲۹	۰/۹۷۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	YEAR	شاخص سال مالی
۰/۱۴۵	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۶۲	ضریب تعیین	
۹/۶۹۷	آماره F		۲/۱۶۷	دوربین- واتسون	
			۰/۰۰۰	احتمال آماره F	

### شاخص محافظه‌کاری شرطي

به منظور آزمون این فرضیه دوم با شاخص محافظه‌کاری شرطي، از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول شماره ۶، بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی‌داری) F برابر ۰/۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۲/۰۷۸ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتبه اول) را نشان می‌دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد، تقریباً ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته به

وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تخصص مالی هیئت مدیره، ۰/۰۰۰ بوده که نشان‌دهنده رابطه مثبت تخصص مالی هیئت مدیره و میزان محافظه کاری شرطی می‌باشد. که با توجه به سطح معنی داری (۰/۵۸۸) که کمتر از ۵ درصد می‌باشد، معنی‌دار نمی‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم تحقیق با شاخص محافظه کاری شرطی تایید نمی‌شود.

جدول شماره ۶. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش با استفاده از شاخص محافظه کاری شرطی

فرضیه دوم پژوهش					متغیرها
محافظه کاری حسابداری					
احتمال	t آماره	خطای استاندارد	ضریب	نماد	
۰/۳۵۸	-۰/۹۱۹	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۶	C	عرض از مبدأ
۰/۵۸۸	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	ACCTBACK	تخصص مالی هیئت مدیره
۰/۲۵۵	-۱/۱۳۷	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۴	GENDER	جنسیت مدیرعامل
۰/۰۶۴	۱/۸۴۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	AGE	عمر شرکت
۰/۰۰۳	-۲/۸۹۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	LEV	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۳/۴۷۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	MB	فرصت رشد
۰/۹۴۴	۰/۰۷۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	OPERATING	چرخه عملیاتی
۰/۵۴۸	۰/۶۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	CAPITAL	کشش سرمایه
۰/۶۲۵	۰/۴۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	STDOPCA	انحراف معیار جریان های نقدی
۰/۷۳۶	-۰/۳۳۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۲۴	-۲/۲۵۳	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	LOSS	زیاندهی شرکت
۰/۰۰۷	-۲/۶۹۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	INDUSTRY	شاخص صنعت
۰/۸۸۳	-۰/۱۴۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	YEAR	شاخص سال مالی
۰/۱۸۵			ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۰۲	ضریب تعیین
۱۱/۶۹۳			آماره F	۲/۰۷۸	دورین - واتسون
				۰/۰۰۰	احتمال آماره F

## نتیجه‌گیری

در این بخش یافته‌های متناظر با فرضیه‌های پژوهش را که براساس تحلیل روش‌های آماری متناظر با اطلاعات ۱۳۵ شرکت در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ استنباط شده است ارائه نموده‌ایم.

بر مبنای فرضیه اول انتظار می‌رفت که بین تخصص مالی هیئت مدیره و مدیریت حسابداری سود رابطه‌ی معنی‌داری وجود داشته باشد. در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تخصص مالی هیئت مدیره، مثبت بوده که نشان دهنده رابطه مثبت تخصص مالی هیئت مدیره و میزان مدیریت سود می‌باشد. که با توجه به سطح معنی‌داری، از نظر حسابداری معنی‌دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه اول تحقیق تایید می‌شود. به عبارتی نتایج تحقیق مبین این موضوع است که در شرکت‌هایی که مدیریت دارای تخصص مالی می‌باشد، میزان مدیریت سود نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر می‌باشد. نتایج آزمون این فرضیه مطابق با نتایج تحقیق بانولی و همکاران (۲۰۱۸) بوده ولی با نتایج تحقیق هو و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت ندارد.

بر مبنای فرضیه دوم نیز انتظار می‌رفت که بین تخصص مالی هیئت مدیره و محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ی معنی‌داری وجود داشته باشد. با توجه به اینکه در این پژوهش از دو شاخص محافظه‌کاری کل و محافظه‌کاری شرطی استفاده شده است، در ادامه نتایج آزمون این فرضیه با هر کدام از این شاخص‌ها تبیین شده است. نتایج آزمون فرضیه دوم با شاخص محافظه‌کاری کل نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تخصص مالی هیئت مدیره، مثبت بوده که نشان‌دهنده رابطه مثبت تخصص مالی هیئت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. که با توجه به سطح معنی‌داری، از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم تحقیق با شاخص محافظه‌کاری کل تایید می‌شود. به عبارتی نتایج تحقیق مبین این موضوع است که در شرکت‌هایی که مدیریت دارای تخصص مالی می‌باشد، میزان محافظه‌کاری کل نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر می‌باشد. در حالی که نتایج آزمون فرضیه دوم با شاخص محافظه‌کاری شرطی نشان می‌دهد که ضریب متغیر تخصص مالی هیئت مدیره، مثبت بوده که نشان‌دهنده رابطه مثبت تخصص مالی هیئت مدیره و میزان محافظه‌کاری شرطی می‌باشد. که با توجه به سطح معنی‌داری، معنی‌دار نمی‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم تحقیق با شاخص محافظه‌کاری شرطی تایید نمی‌شود. نتایج آزمون این فرضیه مطابق با نتایج تحقیق هو و همکاران (۲۰۱۷)، چی و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد. بنابراین و با توجه به نتایج تحقیق در خصوص تاثیر مثبت سوابق حسابداری مدیریت بر مدیریت حسابداری سود و محافظه‌کاری کل، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به این موضوع توجه داشته باشند و در هنگام اخذ تصمیمات مبتنی بر صورت‌های مالی به سوابق مدیریت به‌عنوان شاخصی که می‌تواند محافظه‌کاری و مدیریت سود و به‌صورت کلی‌تر کیفیت گزارشگری مالی را تحت تاثیر قرار دهد، توجه نمایند. همچنین حساب‌رسان به‌عنوان متصدیان

اعتباربخشی به صورت‌های مالی که وظیفه حسابرسی صورت‌های مالی را برعهده دارند، در هنگام حسابرسی و انجام رسیدگی جهت کنترل صحت صورت‌های مالی، به این موضوع توجه داشته باشند که میزان تخصص و تجربه حسابداری مدیریت، می‌تواند میزان کیفیت سود و به تبع آن ریسک حسابرسی را تحت تاثیر قرار دهد. لذا پیشنهاد می‌شود آن‌ها در هنگام تعیین ریسک حسابرسی و تعیین حجم رسیدگی، به میزان تخصص و تجربه حسابداری مدیریت شرکت توجه داشته باشند.

### منابع

- ❖ ایزدی‌نیا، ناصر؛ ذری سده، مصطفی؛ نرگسی، مسعود. (۱۳۹۴). بررسی مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود در دوره‌های قبل و بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار ایران. دانش حسابداری، ۶ (۲۱)، ۸۵-۵۷.
- ❖ آقایی، محمدعلی؛ چالاکی، پری. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری، (۴)، ۷۷-۵۴.
- ❖ خوش‌طینت، محسن؛ اسماعیلی، فرشته. (۱۳۸۵). رابطه بین تقارن و عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه-کاری. مطالعات حسابداری، (۲۰).
- ❖ رییس‌زاده، سیدمحمدرضا؛ رضانی، جواد. (۱۳۹۷). عدم اطمینان محیطی، مدیریت سود و بازده سهام (نقش تعدیل‌کننده توانایی مدیران). دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷ (۲۶)، ۱۳۲-۱۲۱.
- ❖ سدیدی، دکتر مهدی؛ ثقفی، دکتر علی؛ احمدی، شاهین. (۱۳۸۶). محافظه‌کاری حسابداری و تاثیر کیفیت سود بر بازده دارایی‌ها و بازده سهام. دانش حسابداری، (۶)، ۱۳۹-۱۲۹.
- ❖ طاهری، آرزو؛ علی‌نژاد؛ ساروکلائی، مهدی. (۱۳۹۵). تاثیر بیش اعتمادی مدیریت بر مدیریت واقعی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تیر ۹۵، تهران.
- ❖ ولی‌زاده لاریجانی، اعظم؛ رحمانی، علی، ساده؛ شقایق. (۱۳۹۷). رابطه بین افشای گزارش کنترل‌های داخلی، هزینه‌های نمایندگی و مدیریت سود. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷ (۲۵)، ۴۰-۲۹.
- ❖ Bamber, L., Jiang, J., Wang, I. (2010). What's my style? The influence of top managers and their personal backgrounds on voluntary corporate financial disclosure. *The Accounting Review*, 85, 1131-1162.
- ❖ Baolei Qi, Jerry W. Lin, Gaoliang Tian., Lewis, H. (2018). The Impact of Top Management Team Characteristics on the Choice of Earnings Management Strategies: Evidence from China. *Accounting Horizons*, 32 (1), 143-164.

- ❖ Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24, 3-37.
- ❖ Bhagat, S., Bolton, B., Subramanian, A. (2010). CEO education, CEO turnover and firm performance. *Review of Financial Studies*, 22, 4919-4948.
- ❖ Ge, W., Matsumoto, D., Zhang, J.L. (2011). Do CFOs have styles of their own? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on financial reporting practices, *Contemporary Accounting Research*, 28 (4), 1141-1179.
- ❖ Givoly, D., Hayn, C., Natarajan, A. (2007). Measuring reporting conservatism. *The Accounting Review*, 82, (1), 65-106.
- ❖ Graham, J., Narasimhan, K. (2004). Corporate survival and managerial experiences during the great depression. Working Paper, Duke University.
- ❖ Hea, W., Ngb, L., Zaiatsc, N. (2017). Dividend policy and earnings management across countries. *Journal of Corporate Finance*, 42, 267-286.
- ❖ Hu, N, Huang, R., Li, X., Liu, L. (2017). The impact of CEOs' accounting backgrounds on earnings management and conservatism. *Journal of Centrum Cathedra: The Business and Economics Research Journal*, 10 (1), 4-24.
- ❖ Hu, N, Huang, R., Li, X., Liu, L., (2017). The impact of CEOs' accounting backgrounds on earnings management and conservatism. *Journal of Centrum Cathedra: The Business and Economics Research Journal*, 10 (1), 4-24.
- ❖ Jalbert, T., Furumo, K., Jalbert, M. (2009). Does educational background affect CEO compensation and firm performance?, Working paper, University of Hawaii at Hilo.
- ❖ Lee, H., Sami, H. (2014). Conditional Conservatism and Audit Fees. *Journal of International Accounting Research*, 17, 18-39.
- ❖ Li, F., Abeysekera, I., Ma, S. (2011). Earnings Management and the Effect of Earnings Quality in Relation to Stress Level and Bankruptcy Level of Chinese Listed Firms. *Corporate Ownership and Control*, 9 (1): 366-391.
- ❖ Mansi S.A., Maxwell W.F, Miller D.P. (2004). Does auditor quality and tenure matter to investors? Evidence from the bond market. *Journal of Accounting Research*, 42 (4), 755-793.
- ❖ Vander, B., Meyere, M. (2015). Financial reporting quality and the cost of debt of SMEs. *The Accounting Review*, 87, 675-703.
- ❖ Watts, R., Zimmerman, J. (1990). *Positive Accounting Theory*, Prentice Hall International, Inc.